The Quranic strategy of "giving identity to the community of faith" to counter the cultural invasion of the People of the Book

Mohaamad Mirzayi[1]

Abstract

One of the main challenges during the formation of the Islamic state in Medina was the existence of a powerful cultural, religious, and value-based movement of the People of the Book in this city and its surrounding areas. This movement, which saw the presence of the nascent Islamic culture as a factor in weakening its own beliefs and reducing its social influence, launched a widespread propaganda and cultural offensive against it. The central question of this research is what strategies did the Holy Quran use to counter this cultural offensive? This article, which is derived from a doctoral dissertation, specifically examines one of the four major strategies extracted in that research. Using the descriptive-analytical method and citing the verses of the Quran and the views of prominent Shiite and Sunni commentators, the strategy of “giving an identity to the faith community” and its implementation strategies have been analyzed. The examination of the other three strategies ("Confronting the agents of weakening values", "Strengthening values", and "Educating and strengthening believers") has been postponed to other articles.

Keywords: Quran, Islamic government, Medina, People of the Book, Cultural invasion, Identity formation.

1. PhD in Comparative Interpretation, University of Sciences and Teachings of Quran, Researcher at the Institute of Shenakht
Email: m.mirzayi114@gmail.com

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»

سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۴

راهبرد قرآنی «هویت‌بخشی به جامعه ایمانی» برای مقابله با تهاجم فرهنگی اهل کتاب

محمد میرزائی[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۳/۱۰)

چکیده

یکی از چالش‌های اصلی در دوران شکل‌گیری حکومت اسلامی در مدینه، وجود جریان قدرتمند فرهنگی، اعتقادی و ارزشی اهل کتاب در این شهر و مناطق پیرامونی آن بود. این جریان که حضور فرهنگ نوپای اسلام را عاملی برای تضعیف باورهای خود و کاهش نفوذ اجتماعی خویش می‌دید، اقدام به تبلیغات و تهاجم فرهنگی گسترده‌ای علیه آن نمود. پرسش محوری این پژوهش آن است که قرآن کریم برای مقابله با این تهاجم فرهنگی، از چه راهبردهایی بهره برده است؟ این مقاله که برگرفته از یک رساله دکتری است، به صورت خاص به بررسی یکی از چهار راهبرد کلان استخراج‌شده در آن پژوهش می‌پردازد. با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و با استناد به آیات قرآن و دیدگاه‌های مفسران برجسته شیعه و اهل سنت، راهبرد «هویت‌بخشی به جامعه ایمانی» و راهکارهای اجرایی آن مورد تحلیل قرار گرفته است. بررسی سه راهبرد دیگر («مقابله با عاملان تضعیف ارزش‌ها»، «تقویت ارزش‌ها» و «تربیت و مقاوم‌سازی مؤمنان») به مقالات دیگری موکول شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، حکومت اسلامی، مدینه، اهل کتاب، تهاجم فرهنگی، هویت‌بخشی.

۱. دکترای تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن، پژوهشگر مؤسسه شناخت

یارانامه: m.mirzayi114@gmail.com

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

مقدمه

فرهنگ، به رغم تعاریف متعدد و متنوع، به صورت خلاصه، مجموعه‌ای از مبانی فکری و ارزشی است که رفتارهای اختیاری و اجتماعی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و شناخت‌ها، باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و الگوهای رفتاری را در بر می‌گیرد. بر این اساس، «تهاجم فرهنگی» به هرگونه حرکت برنامه‌ریزی‌شده از سوی دشمن اطلاق می‌شود که با هدف دگرگونی یا تحریف ارزش‌ها، باورها و رفتارهای یک ملت صورت می‌پذیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ۱۵). به عبارت دیگر، تهاجم فرهنگی زمانی رخ می‌دهد که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای پیشبرد اهداف خاص خود و سلطه بر یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن یورش برده و با قصد جایگزینی، عناصر فرهنگی بیگانه را به زور وارد ساختار آن جامعه کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۵/۲۰).

با استقرار حکومت اسلامی در ایران، نظام سلطه که از تبدیل شدن ایران به الگویی برای کشورهای مستضعف و خیزش‌های مردامی هراس داشت، راهکارهای متعددی را برای سرنگونی این نظام در پیش گرفت. پس از ناکامی در توطئه‌های تجزیه‌طلبی و جنگ نظامی، «تهاجم فرهنگی» یا به تعبیری دقیق‌تر، «شبیخون فرهنگی» در دستور کار کشورهای امپریالیستی قرار گرفت. مقابله با این پدیده، که اولویت اصلی دلسوزان انقلاب اسلامی است، نیازمند اتخاذ سیاست‌های دقیق و راهبردهای کارآمد است تا بتوان فرهنگ اسلامی و انقلابی را تثبیت نمود. با توجه به قرابت هویت دینی جامعه ایران با جامعه صدر اسلام، به نظر می‌رسد بتوان از راهکارهای قرآنی تقویت هویت دینی، برای استحکام‌بخشی به هویت جامعه اسلامی ایران بهره جست.

پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه و تأسیس حکومت اسلامی، اهل کتاب که از اعتبار علمی، سیاسی و فرهنگی برخوردار بودند، جایگاه خود را در خطر دیدند و برای حفظ موقعیت خویش، به تقابل فرهنگی همه‌جانبه با

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

آیین جدید پرداختند. آنان با آغاز تبلیغات گسترده، سعی در بی‌اعتبار کردن اسلام و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۵۹/۳؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۶۱۵/۲؛ ابن عاشور، ۱۴۱۸، ۱۲۶/۳-۱۲۷).

از سوی دیگر، یکی از اهداف محوری قرآن، تربیت جامعه بر اساس فرهنگ ناب اسلامی است که نیازمند «مهندسی دقیق فرهنگی» است. این مهندسی در شرایط عادی با وضعیتی که یک جریان قدرتمند و صاحب نفوذ در تقابل با آن قرار می‌گیرد، متفاوت است. قرآن کریم با درنظرگیری این شرایط حساس، مهندسی فرهنگی خود را به گونه‌ای طراحی کرده که نه تنها آسیب‌های ناشی از این تقابل را به حداقل برساند، بلکه این تهدید را به فرصتی برای تبیین بهتر فرهنگ اسلامی و اثبات برتری آن تبدیل کند. مقایسه یک فرهنگ با رقبا و نشان دادن نقاط ضعف آنها، عظمت و حقانیت فرهنگ اصیل را آشکارتر ساخته و زمینه را برای نهادینه‌سازی آن فراهم می‌آورد.

این موارد نشان می‌دهد مقابله قرآن با تهاجم فرهنگی در صدر اسلام، مبتنی بر درکی علمی و راهبردی دقیق بوده است. راهبردی که با توجه به شرایط مشابه کنونی، می‌تواند الگویی کارآمد برای حل چالش‌های فرهنگی جامعه امروز ایران باشد.

یکی از شاخصه‌های مهم هویت پایدار، «استقلال هویتی» است. جامعه‌ای که فاقد هویت مستقل باشد، جامعه‌ای سست، متزلزل و بی‌ثبات خواهد بود که در برابر کوچک‌ترین تکانه‌ها تا مرز فروپاشی پیش می‌رود. (گیدنز، ۱۹۹۱، ۱۵۱) از این رو، طراحی هویت مستقل و ایجاد مرزبندی شفاف با سایر جوامع، راهکاری اساسی برای تقویت هویت و مقابله با تهاجم فرهنگی است. قرآن کریم این راهکار را به درستی طراحی و اجرا کرده که یکی از وجوه آن، «اعطای هویت مستقل به مسلمانان در برابر اهل کتاب» است.

پیامبر صلی الله علیه و آله رسالت خویش را در مکه آغاز کرد، جایی که شرک و

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

بت‌پرستی غلبه کامل داشت و طبیعی بود که پیام توحیدی ایشان با مقاومت سرسختانه مشرکان روبه‌رو شود. در آن مقطع، اهل کتاب نفوذ چندانی در مکه نداشتند و پایگاه اصلی یهودیان در مدینه و خیبر و مسیحیان در نجران بود. پیامبر صلی الله علیه و آله با این انتظار که اهل کتاب به دلیل اشتراکات دینی از ایشان حمایت کنند، رویکردی مثبت در پیش گرفت؛ حتی قبله اول مسلمانان، همان قبله اهل کتاب (بیت‌المقدس) تعیین شد تا پیوند با ادیان گذشته حفظ گردد. با این حال، اکثر اهل کتاب نه تنها رویکرد مثبتی نشان ندادند، بلکه با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، به دشمنی آشکار پرداختند. (ابن هشام، ۱۳۶۰، ۲۳۵/۱–۲۴۰)

با هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه و احساس خطر اهل کتاب از قدرت‌گیری اسلام، آنان حملات تبلیغاتی گسترده‌ای را علیه این آیین آغاز کردند. مقابله با این جریان به دو دلیل دشوار بود: اولاً، اهل کتاب از مرجعیت علمی و نفوذ سیاسی در مدینه برخوردار بودند و موضع‌گیری آن‌ها تأثیر چشمگیری بر افکار عمومی داشت. ثانیاً، اسلام از ابتدا خود را همسو با آنان نشان داده و حتی قبله‌ای مشترک برگزیده بود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۵۹/۳؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۶۱۵/۲؛ ابن عاشور، ۱۴۱۸، ۱۲۶/۳–۱۲۷). در چنین شرایطی، ضرورت استقلال هویتی مسلمانان آشکار شد.

برای تحقق این استقلال، قبله مسلمانان از بیت‌المقدس به کعبه تغییر یافت و بر عناصر هویتی‌ای تأکید شد که تفاوت‌ها و برتری‌های اسلام را نشان می‌داد. مؤمنان با به دست آوردن هویتی مستقل، در برابر جنگ روانی و تبلیغات دشمن مصون ماندند. مهم‌ترین این عناصر هویت‌ساز عبارتند از:

تبیین نسبت امت اسلامی و پیامبر صلی الله علیه و آله با ابراهیم علیه السلام

تبیین شرافت نسبی و خاندانی پیامبر صلی الله علیه و آله

تبیین شرافت و قداست مکه

تبیین شرافت و قداست کعبه

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

تثبیت و ارتقای مرجعیت پیامبر صلی الله علیه و آله

در این مقاله، ابتدا آیات مربوط به تعیین قبله مستقل تبیین شده و سپس آیات مرتبط با عناصر هویت‌ساز فوق بررسی می‌شود.

پیشینه تحقیق

اگرچه تحقیقات متعددی درباره اهل کتاب از منظر قرآن انجام شده، اما پژوهشی که به طور خاص به «تهاجم فرهنگی اهل کتاب و راهکارهای مقابله با آن از منظر قرآن» پرداخته باشد، یافت نشد. در ادامه، برخی تحقیقات مرتبط گزارش می‌شود:

مقاله «روش‌شناسی عملیات روانی قرآن کریم در رویارویی با یهود» (بی‌بی زینب حسینی): این پژوهش تنها به یهود پرداخته و دیگر گروه‌های اهل کتاب را بررسی نکرده است. همچنین، رویکرد آن معطوف به «عملیات روانی» است که تنها بخشی از راهبردهای قرآنی برای مقابله با تهاجم فرهنگی محسوب می‌شود.

رساله «بررسی و شناخت توطئه اجتماعی و راه‌های مقابله با آن از منظر قرآن کریم» (عیسی مهدوی کتریمی): این تحقیق به «توطئه اجتماعی» به عنوان یکی از ابعاد تهاجم فرهنگی پرداخته، اما آن را به دشمن خاصی محدود نکرده و از این جهت عام‌تر از پژوهش حاضر است.

رساله «گونه‌های یهودیان مخاطب قرآن و راهکار مواجهه با آن» (محمد باقری صدر): این اثر نیز تنها به یهودیان پرداخته و راهکارهای مواجهه با آنان را به صورت مطلق بررسی کرده است؛ در حالی که تحقیق حاضر، مقابله قرآن را صرفاً از منظر «تهاجم فرهنگی» تحلیل می‌کند.

۱. تعیین قبله مستقل

۱-۱. نقش نمادها در هویت‌بخشی

نمادهای دینی و ملی از عناصر هویت‌بخش و تثبیت‌کننده استقلال یک جامعه

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

محسوب می‌شوند. نمادها در زندگی اجتماعی بشر، ابزار تعامل و ارتباط هستند؛ تا حدی که تصور زندگی اجتماعی بدون نمادها، تقریباً غیرممکن است. زندگی بی‌نماد، فاقد پویایی و معناست و انسان فاقد نماد، همچون موجودی منفعل و بی‌هویت تلقی می‌شود. (ذکایی، ۱۳۹۵، ۸۲)

«نماد» در لغت به معنای مظهر، علامت و نشانه است. نمادها با زبانی رمزآلود و عمیق با انسان سخن می‌گویند و در طول تاریخ، نقش بی‌بدیلی در انتقال مفاهیم فرهنگی و هویتی ایفا کرده‌اند. این عناصر نه‌تنها در گذر زمان فراموش نمی‌شوند، بلکه به بخشی از ناخودآگاه جمعی ملت‌ها تبدیل می‌شوند. (یونگ، ۱۳۷۳، ۲۱)

انسان‌ها همواره از طریق نمادها با یکدیگر ارتباط برقرار کرده‌اند. نمادها همچون هوایی که ما را احاطه کرده، جهان پیرامون ما را شکل داده‌اند. درک یک فرهنگ، بدون فهم نمادهایش ناقص خواهد بود. هرچه بیشتر به نقش نمادها در تاریخ و زندگی اجتماعی توجه شود، ضرورت بازخوانی و رمزگشایی آن‌ها آشکارتر می‌شود. (یونگ، ۱۳۷۳، ۲۱)

۱-۲. بررسی آیات مربوطه

قرآن کریم نیز به مسئله نماد و استقلال نمادی توجه ویژه‌ای دارد. یکی از برجسته‌ترین این نمادها، «قبله» است که نماد وحدت و همبستگی امت اسلامی محسوب می‌شود. آیه ۱۴۲ سوره بقره به روشنی بیانگر این هدف است:

«سَيَقُولُ السُّفَهاءُ مِنَ النَّاسِ ما وَلاَّهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتي كانُوا عَلَيْها قُلْ لِلّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ يَهْدي مَنْ يَشاءُ إِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ» (بقره، ۱۴۲)

در شأن نزول این آیه آمده است که یهودیان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را سرزنش می‌کردند و می‌گفتند: «تو تابع مایی و به سوی قبله ما نماز می‌گزاری.» این سخن، نشان می‌داد که یهودیان، قبله مشترک را دلیلی بر عدم استقلال دین اسلام قلمداد می‌کردند و از این طریق در صدد تحقیر و تضعیف آیین جدید بودند.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

داشتن قبله، از مفاخر یهودیان به شمار می‌رفت و دیگران را تابع خود می‌دانستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۸۰/۱.)

القای انگ «تابع بودن» به مسلمانان، نوعی جنگ روانی بود که در صورت تداوم، می‌توانست به اعتماد نومسلمانان آسیب جدی وارد کند. پیامبر صلی الله علیه و آله با درک این خطر، به دنبال چاره‌اندیشی بود و از خداوند درخواست قبله‌ای مستقل کرد؛ چرا که قبله، نه‌تنها جهت عبادت، که نماد انسجام و محور حرکت امت است.

این پرسش مطرح می‌شود که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله، «کعبه» را به عنوان قبله جدید درخواست کرد؟ با بررسی دیدگاه مفسران می‌توان به این پرسش پاسخ داد:

سید فضل الله در این زمینه می‌نویسد:

«پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواست قبله جدید با فضای رسالت اسلام که از مکه و مسجدالحرام آغاز شده بود هماهنگ شود و امتداد خط اسلامی باشد که توسط ابراهیم علیه السلام از کعبه پایه‌گذاری شد.»(فضل الله، ۱۴۱۹، ۸۶/۳)

سید فضل‌الله نیز بیان می‌کند:

«اگر بیت‌المقدس به دلیل میعادگاه پیامبران ممتاز شده، کعبه نیز نخستین خانه‌ای است که به دستور خدا به دست ابراهیم علیه السلام بنا شد و مردم به حج آن دعوت شدند. تشریع جدید، کعبه را به عنوان قبله برگزید تا بر ویژگی‌های عبادی آن تأکید کند؛ ویژگی‌هایی که در قبله سابق موجود نبود.»

استاد مکارم شیرازی در عبارات متعددی به این موضوع اشاره کرده است:

«کعبه، کهن‌ترین مرکز توحید و کانون انبیاء است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۰-۱۱/۳)

«هم پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه شدیدی به ابراهیم علیه السلام و آثار او داشت و هم این انتخاب، زمینه جذب بیشتر مردم حجاز را که به کعبه علاقه داشتند فراهم می‌کرد.»

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

«اگر قبله به سوی کعبه تغییر نمی‌یافت، مشرکان اعتراض می‌کردند که چرا او که مدعی احیای آیین ابراهیم علیه السلام است، خانه کعبه را فراموش کرده است.»

نکته قابل تأمل دیگر این است که یهودیان در کتاب‌های آسمانی خود خوانده بودند که قبله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله کعبه خواهد بود، نه بیت‌المقدس؛ چنان که قرآن کریم به این موضوع اشاره می‌فرماید: «وَ إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ، مِنْ رَبِّهِمْ» (بقره، ۱۴۴). اگر حکم تغییر قبله نازل نمی‌شد، حجت یهود بر مسلمانان تمام بود.

از بیانات مفسران استفاده می‌شود که کعبه، نماد اصلی آیین توحیدی ابراهیم علیه السلام بود و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز هدف خود را احیای همین آیین قرار داده بود. بنابراین، تغییر قبله به کعبه، هم زمینه استقلال هویتی مسلمانان را فراهم کرد و هم باعث جذب دلهای مردم عربستان که به ابراهیم علیه السلام و کعبه علقه داشتند، شد.

شایان ذکر است که آیات مربوط به سرگذشت ابراهیم علیه السلام و کرامت‌های او و فرزندش اسماعیل علیه السلام و نیز بنای کعبه، به نوعی مقدمه‌چینی برای موضوع تغییر قبله است و نشان می‌دهد این تغییر با هدف احیای آیین ابراهیمی صورت گرفته است.(طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۱۸/۱)

آیه «وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدا» (بقره، ۱۴۳) نیز مؤید این برداشت است. سید فضل‌الله در تفسیر این آیه می‌نویسد:

«در اسلام، کعبه به عنوان قبله انتخاب شد تا امت اسلامی از دیگر امت‌ها ممتاز گردد و معیاری برای سنجش سایر امت‌ها در زمینه حق، آزادی و عدالت باشد. اگر مسلمانان رو به قبله اهل کتاب داشتند، نه می‌توانستند مشرکان معتقد به کعبه را توجیه کنند و نه در برابر ادعای یهودیان مبنی بر تابع بودن مسلمانان پاسخی داشته باشند.»(فضل الله، ۱۴۱۹، ۷۴/۳)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

نتیجه‌گیری: بر این اساس، انتخاب کعبه به عنوان قبله، با هدف هویت‌بخشی مستقل به امت اسلامی و تمایز آن از سایر ادیان صورت گرفته است.

۲. تبیین نسبت امت اسلامی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابراهیم علیه السلام

۲-۱. شخصیت‌های مرجع و هویت‌بخشی به امت اسلامی

در هر جامعه‌ای، شخصیت‌های کاریزماتیک و بانفوذی وجود دارند که به عنوان مرجع هویتی مورد احترام مردم قرار می‌گیرند. این چهره‌ها از عوامل مهم شکل‌دهنده هویت مستقل برای جوامع به شمار می‌روند؛ از این رو، یکی از اقدامات راهبردی رهبران جوامع، نشان دادن پیوند و انتساب خود به این شخصیت‌های مرجع است تا از این طریق بتوانند مشروعیت و اعتبار لازم را کسب کرده و هویت مستقل جامعه خود را بازتولید کنند.(کچویان، ۱۳۸۵، ۱۱۷-۱۲۰)

در فضایی که جریان‌های فکری مختلف، هر یک قرائت خاص خود را از مسیر آن شخصیت مرجع ارائه می‌دهند، هر گروهی که بتواند انتساب خود را به آن مرجع به اثبات برساند، می‌تواند در بازتولید هویت مستقل موفق باشد.

۲-۲. تبیین نسبت امت اسلامی با ابراهیم علیه السلام

یکی از راهکارهای قرآنی برای اعطای هویت مستقل به مسلمانان، تبیین نسبت ایشان با حضرت ابراهیم علیه السلام بود. ابراهیم علیه السلام در شبه جزیره عربستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و همه قبایل و مذاهب سعی می‌کردند خود را به او منتسب کنند. مشرکان مکه نیز خود را پیرو آیین ابراهیم علیه السلام می‌دانستند و پیامبر صلی الله علیه و آله را منحرف از این آیین قلمداد می‌کردند. در سوره‌های مکی، اعتقادات باطل مشرکان نقد شد و تأکید گردید که این باورهای غلط، هیچ ارتباطی با آیین ابراهیم علیه السلام ندارد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

در مدینه نیز اهل کتاب ادعای پیروی از آیین ابراهیم علیه السلام را داشتند؛ تا آنجا که یهودیان، ابراهیم علیه السلام را یهودی و مسیحیان، او را مسیحی می‌خواندند و انتظار داشتند پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش از آیین آنان تبعیت کنند. مقابله با اهل کتاب به مراتب دشوارتر از مشرکان بود؛ چرا که آنان به خدا، پیامبران و کتاب‌های آسمانی ایمان داشتند و از مرجعیت علمی و نفوذ اجتماعی گسترده‌ای برخوردار بودند. (ابن عاشور، ۱۴۱۸، ۱۲۶/۳–۱۲۷) در چنین فضایی، قرآن کریم با استدلال‌های متقن، تبعیت پیامبر صلی الله علیه و آله از آیین ابراهیم علیه السلام را اثبات کرد که در هویت‌بخشی مستقل به مسلمانان نقش اساسی ایفا نمود.

۲-۳. بررسی آیات مربوطه

۲-۳-۱. رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله نتیجه دعای ابراهیم علیه السلام

«وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْراهيمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْماعيلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّميعُ الْعَليمُ * رَبَّنا وَ اجْعَلْنا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ أَرِنا مَناسِكَنا وَ تُبْ عَلَيْنا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحيمُ رَبَّنا وَ ابْعَثْ فيهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ» (بقره، ۱۲۷–۱۲۹)

این آیات به ساختن کعبه توسط ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام و دعاهای آنان اشاره دارد. وجوه استدلال در این آیات عبارتند از:

۱. درخواست ابراهیم علیه السلام برای مسلمان بودن خود و ذریه‌اش نشان می‌دهد که آیین او «اسلام» بوده است.

۲. درخواست بعثت رسولی از ذریه ابراهیم علیه السلام که با ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله محقق شد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

۲-۳-۲. آیین ابراهیم علیه السلام، اسلام است

«وَ مَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْراهيمَ إِلاَّ مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدِ اصْطَفَيْناهُ فِي الدُّنْيا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحينَ إِذْ قالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعالَمينَ وَ وَصَّى بِها إِبْراهيمُ بَنيهِ وَ يَعْقُوبُ يا بَنِيَّ إِنَّ اللهَ اصْطَفى لَكُمُ الدِّينَ فَلا تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ أَمْ كُنْتُمْ شُهَداءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قالَ لِبَنيهِ ما تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدي قالُوا نَعْبُدُ إِلهَكَ وَ إِلهَ آبائِكَ إِبْراهيمَ وَ إِسْماعيلَ وَ إِسْحاقَ إِلهاً واحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره، ۱۳۰-۱۳۲)

این آیات بر چند نکته تأکید دارد:

۱. روی‌گردانی از آیین ابراهیم علیه السلام نشانه سفه و بی‌خردی است.

۲. آیین ابراهیم علیه السلام تسلیم در برابر پروردگار جهانیان است.

۳. ابراهیم و یعقوب علیه السلام فرزندان خود را به اسلام وصیت کردند.

۲-۳-۳. عدم ارتباط یهودیت و نصرانیت با آیین ابراهیم علیه السلام

«وَ قالُوا كُونُوا هُوداً أَوْ نَصارى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْراهيمَ حَنيفاً وَ ما كانَ مِنَ الْمُشْرِكينَ قُولُوا آمَنَّا بِاللهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْنا وَ ما أُنْزِلَ إِلى إِبْراهيمَ وَ إِسْماعيلَ وَ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطِ وَ ما أُوتِيَ مُوسى وَ عيسى وَ ما أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره، ۱۳۵-۱۳۶)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات می‌فرماید:

«اختلافات و انشعابات موجود در میان یهود و نصاری، ساخته‌های هوای نفس بشری است و ربطی به دین توحیدی ابراهیم علیه السلام ندارد. مسلمانان باید به دین حنیف ابراهیم تمسک جویند که اکنون در قالب اسلام تجلی یافته است.»(طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۱۰/۱)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

۲-۳-٤. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امت ایشان، پیروان واقعی ابراهیم علیه السلام

«یا أَهْلَ الْکِتابِ لِمَ تُحَاجُّونَ في إِبْراهیمَ وَ ما أُنْزِلَتِ التَّوْراةُ وَ الْإِنْجیلُ إِلاَّ مِنْ بَعْدِهِ أَ فَلا تَعْقِلُونَ ها أَنْتُمْ هؤُلاءِ حاجَجْتُمْ فیما لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فیما لَیْسَ لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ اللهُ یَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ ما کانَ إِبْراهیمُ یَهُودِیًّا وَ لا نَصْرانِیًّا وَ لکِنْ کانَ حَنیفاً مُسْلِماً وَ ما کانَ مِنَ الْمُشْرِکینَ إِنَّ أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْراهیمَ لَلَّذینَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِیُّ وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ اللهُ وَلِیُّ الْمُؤْمِنینَ» (آل عمران، ۶۵-۶۸)

این آیات به روشنی بیان می‌کنند: تورات و انجیل پس از ابراهیم علیه السلام نازل شده‌اند. ابراهیم علیه السلام نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه حنیف و مسلمان بود. نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم علیه السلام کسانی هستند که از او پیروی کنند و این پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان به او هستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۵۱/۳)

نتیجه‌گیری: قرآن کریم با ارائه این استدلالات متقن، توانست انتساب پیامبر صلی الله علیه و آله و امت اسلامی را به حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان یک شخصیت مرجع توحیدی به اثبات برساند. این راهبرد، در شرایطی که اهل کتاب با سوءاستفاده از این شخصیت مرجع، به جنگ روانی علیه مسلمانان پرداخته بودند، نقش تعیین‌کننده‌ای در استقلال هویتی جامعه نوپای اسلامی ایفا کرد.

۳. تبیین شرافت نسبی و خاندانی پیامبر صلی الله علیه و آله

در جوامعی که اصالت نژادی و تفاخر به بزرگان قوم، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری‌های اجتماعی دارد، رهبران می‌توانند از این ظرفیت برای هویت‌بخشی و ایجاد همبستگی استفاده کنند. قرآن کریم نیز با بهره‌گیری از این پتانسیل، ضمن تبیین جایگاه حضرت اسماعیل علیه السلام به عنوان جدّ بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله، به جذب مردم و تقویت هویت اسلامی آنان پرداخت. شایان ذکر است که این برجسته‌سازی، مبتنی بر واقعیات تاریخی بوده و صرفاً یک تاکتیک تبلیغاتی محسوب

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

نمی‌شود.

۳-۱. تبارشناسی پیامبر صلی الله علیه و آله: از ابراهیم علیه السلام تا اسماعیل علیه السلام

خداوند به ابراهیم علیه السلام در کهنسالی دو فرزند عطا کرد: اسماعیل علیه السلام از هاجر، و اسحاق علیه السلام از ساره. اسحاق علیه السلام در منطقه شام ساکن شد و از نسل او، یعقوب علیه السلام و سپس بنی‌اسرائیل پدید آمدند. این قوم به عنوان یکی از اقوام تاریخ‌ساز، میزبان پیامبران بزرگی چون موسی، عیسی، داوود و سلیمان علیه السلام بودند. قرآن کریم نیز به برتری‌داشتن بنی‌اسرائیل اشاره می‌کند: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره، ۴۷).

در مقابل، سرنوشت اسماعیل علیه السلام مسیر دیگری را پیمود. ابراهیم علیه السلام مأمور شد او و مادرش را در سرزمین بی‌آب و علف مکه سکنا دهد. با جوشش چشمه زمزم، گروهی در آنجا ساکن شدند و اسماعیل علیه السلام از میان آنان همسری برگزید. حاصل این ازدواج، پیدایش قبیله قریش بود. برخلاف بنی‌اسرائیل، هیچ پیامبر بزرگی از این قوم برنخاست و به تدریج آیین توحیدی اجداد خود را رها کرده و به شرک گراییدند. (ابن هشام، ۱۳۶۰، ۱۱۲/۱–۱۱۸)

۳-۲. رویکرد اهل کتاب نسبت به نسل اسماعیل علیه السلام

بنی‌اسرائیل همواره به نژاد خود می‌نازیدند و خود را وارثان علم و نبوت می‌دانستند. آنان نسل اسماعیل علیه السلام را تحقیر کرده و به آنان عنوان «امّی» می‌دادند. برای اسحاق علیه السلام و یعقوب علیه السلام جایگاه ویژه‌ای قائل بودند، اما اسماعیل علیه السلام را «کنیززاده» می‌خواندند و برای او شأنی قائل نبودند. (ابن هشام، ۱۸۳/۱) با ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از نسل اسماعیل علیه

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

السلام، طبیعی بود که اهل کتاب –به ویژه یهودیان با گرایش‌های نژادپرستانه– این مسئله را نقطه ضعفی برای اسلام تلقی کنند و حاضر نشوند تحت رهبری نسل اسماعیل علیه السلام درآیند.

۳-۳. راهکار قرآن در برجسته‌سازی جایگاه اسماعیل علیه السلام

با توجه به نفوذ اهل کتاب در میان نومسلمانان، این خطر وجود داشت که تبلیغات آنان موجب ایجاد خودکم‌بینی و تردید در مسلمانان شود. از این رو، قرآن کریم راهبرد هوشمندانه‌ای را در پیش گرفت که با مقایسه گزارش‌های سوره‌های مکی و مدنی به وضوح قابل مشاهده است.

۳-۳-۱. سوره‌های مکی: برجسته‌سازی اسحاق علیه السلام

در آیات ۸۴–۸۶ سوره انعام (مکی)، خداوند هنگام ذکر فرزندان ابراهیم علیه السلام، ابتدا اسحاق علیه السلام و یعقوب علیه السلام را نام می‌برد و سپس پس از ذکر چند پیامبر از بنی‌اسرائیل، به اسماعیل علیه السلام اشاره می‌کند. این در حالی است که اسماعیل علیه السلام فرزند بلافصل ابراهیم علیه السلام بوده و می‌بایست همراه اسحاق علیه السلام ذکر می‌شد. این شیوه عبارت‌پردازی، به عمد برای برجسته‌سازی اسحاق علیه السلام و کمرنگ کردن نقش اسماعیل علیه السلام انجام شده است. این رویکرد در سوره‌های مریم (آیه ۴۹)، انبیاء، ص، هود، یوسف، صافات و عنکبوت نیز تکرار شده است.

۳-۳-۲. سوره‌های مدنی: برجسته‌سازی اسماعیل علیه السلام

در سوره‌های مدنی، این رویکرد کاملاً معکوس می‌شود. در آیات ۱۲۵ و ۱۲۷ سوره بقره، مسئولیت آماده‌سازی کعبه برای حاجیان و نیز ساختن خانه کعبه، به طور مشترک به ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام نسبت داده می‌شود و دعاهای آنان در کنار هم نقل می‌گردد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

در آیه ۱۳۳ سوره بقره، هنگامی که فرزندان یعقوب علیه السلام بر عبادت خدا تأکید می‌کنند، پس از ابراهیم علیه السلام، نام اسماعیل علیه السلام –که عموی یعقوب علیه السلام بود– را پیش از اسحاق علیه السلام می‌برند. همچنین در آیات ۱۳۶ و ۱۴۰ همین سوره، نام اسماعیل علیه السلام بر اسحاق علیه السلام مقدم داشته شده است. این روند در دیگر سوره‌های مدنی نیز تداوم یافته است.

نتیجه‌گیری: چنان‌که ملاحظه شد، قرآن کریم در سوره‌های مدنی با برجسته‌سازی هدفمند جایگاه اسماعیل علیه السلام در کنار ابراهیم علیه السلام، به تقویت شرافت نسبی پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت. این راهبرد، تبلیغات منفی اهل کتاب را خنثی کرد و به تقویت هویت مستقل مسلمانان و اعتماد آنان به آیین جدید انجامید.

۴. تبیین شرافت و قداست مکه

۴-۱. نقش مکان‌های مقدس تاریخی در هویت‌بخشی

هویت‌بخشی به یک جامعه مستلزم وجود نمادهایی است که افراد با تکیه بر آن‌ها، احساس هویت و استقلال کنند.(یونگ، ۱۳۷۳، ۲۱) مکان‌های مقدس تاریخی، بخش مهمی از هویت جوامع را تشکیل می‌دهند. مردم شبه جزیره عربستان نیز با توجه به ارادت ویژه‌ای که به حضرت ابراهیم علیه السلام داشتند، مکان‌ها و سنت‌های به جا مانده از وی –همچون شهر مکه، کعبه، مقام ابراهیم و حج– را با دید تقدس می‌نگریستند.

اگرچه این نمادها در اصل، نماد توحید بودند، به تدریج از ماهیت اصیل خود فاصله گرفته و به مظاهری از شرک تبدیل شدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با هدف احیای آیین ابراهیمی، نهضت خود را آغاز کرد و طبیعی بود که توجه ویژه‌ای به این نمادها داشته و درصدد بازگرداندن اصالت از دست رفته آنها باشد.

با هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، چالش

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

جدیدی در برابر ایشان پدید آمد: مقابله با تبلیغات اهل کتاب. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، اهل کتاب با روحیه نژادپرستانه خود، قوم بنی‌اسرائیل را برتر می‌شمردند و نسل اسماعیل علیه السلام را تحقیر می‌کردند. در چنین شرایطی، قرآن کریم با تبیین برتری و قدمت نمادهای اسلامی –بدون تخریب نمادهای اهل کتاب– به تقویت هویت نومسلمانان پرداخت.

۴-۲. سیر تدریجی در تبیین جایگاه مکه

با دقت در ترتیب نزول آیات مربوط به مکه، مشهود است که در سوره‌های نخستین مکی، تنها به توصیف این شهر به «امن» و «محترم» اکتفا شده و اشاره‌ای به انتساب آن به ابراهیم علیه السلام نشده است. این در حالی است که در سوره ابراهیم (هفتاد و دومین سوره مکی) و سوره بقره (مدنی)، به صراحت به جایگاه مکه و انتساب آن به ابراهیم علیه السلام پرداخته شده است.

٤-۲-۱. علل این تغییر رویکرد

در مکه مشرکان خود به جایگاه مکه معتقد بودند؛ لذا ذکر آن ضرورتی نداشت. اما در مدینه با توجه به تقابل فرهنگی با اهل کتاب که بیت‌المقدس را نماد خود می‌دانستند، تبیین جایگاه مکه به عنوان نمادی مستقل برای مسلمانان ضروری بود.

٤-۲-۲. پاسخ به یک پرسش

این سؤال مطرح می‌شود که چرا در سوره ابراهیم (که مکی است) به انتساب مکه به ابراهیم علیه السلام اشاره شده است؟ پاسخ آن است که این سوره در اواخر دوران مکی نازل شد؛ زمانی که امید به ایمان آوردن اهل کتاب از بین رفته بود و مسلمانان نیازمند تقویت هویت مستقل خود برای مهاجرت به مدینه بودند. بنابراین، سوره ابراهیم نقطه عطفی در تغییر راهبرد قرآن از جذب اهل کتاب به سمت استقلال هویتی مسلمانان محسوب می‌شود.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

۴-۳. بررسی آیات مربوط به مکه

٤-۳-۱. دعای ابراهیم علیه السلام برای امنیت مکه

«وَ إِذْ قالَ إِبْراهيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِناً وَ اجْنُبْني وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنامَ» (ابراهیم، ۳۵)

در این آیه، امنیت مکه به عنوان دعای ابراهیم علیه السلام مطرح شده است.

٤-۳-۲. فلسفه اسکان اسماعیل علیه السلام در مکه

«رَبَّنا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتي بِوادٍ غَيْرِ ذي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِيُقيمُوا الصَّلاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم، ۳۷)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

«انتخاب سرزمین بی‌آب و علف مکه برای سکونت ذریه ابراهیم علیه السلام، به این منظور بود که آنان در محیطی به عبادت خدا بپردازند که امور دنیوی، دل‌هایشان را مشغول نسازد.»(طباطبایی،۱۴۱۷، ۷۶/۱۲)

بر این اساس، فلسفه تأسیس مکه، ایجاد شهری برای عبادت خالصانه بوده است.

٤-۳-۳. دعای ابراهیم علیه السلام برای مؤمنان مکه

«وَ إِذْ قالَ إِبْراهيمُ رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَراتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَليلاً ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلى عَذابِ النَّارِ وَ بِئْسَ الْمَصيرُ» (بقره، ۱۲۶)

در این آیه – که مشابه دعای سوره ابراهیم است – درخواست رزق و روزی به مؤمنان مکه اختصاص یافته است. این نشان می‌دهد که فلسفه وجودی مکه، برای زندگی مؤمنان است و بهره‌مندی دیگران، به برکت وجود آنان است.(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۵۲/۱)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

نتیجه‌گیری: قرآن کریم با تبیین تدریجی جایگاه مکه و انتساب آن به حضرت ابراهیم علیه السلام، به تقویت هویت مستقل مسلمانان در برابر اهل کتاب پرداخت. برجسته‌سازی امنیت، برکت و فلسفه عبادتی این شهر، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد اعتماد به نفس و خودباوری در جامعه نوپای اسلامی ایفا کرد.

۵. تبیین شرافت و قداست کعبه

۵-۱. کعبه نماد هویت‌بخشی

همان‌گونه که در بخش پیشین اشاره شد، نمادهای تاریخی و شخصیت‌های برجسته، نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت‌یابی جوامع ایفا می‌کنند. در این میان، «کعبه» به عنوان نمادی که توسط حضرت ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام بنا نهاده شد، از جایگاه ویژه‌ای در باور مردم شبه‌جزیره عربستان برخوردار بود. یکی از راهبردهای قرآنی برای استقلال‌بخشی هویتی به مسلمانان، تبیین شرافت و قداست این نماد توحیدی بود.

۵-۲. سیر تدریجی در تبیین جایگاه کعبه

بررسی سوره‌های مکی و مدنی نشان می‌دهد که قرآن کریم در بیان جایگاه کعبه، رویکردی تدریجی در پیش گرفته است. در سوره‌های مکی –همچون سوره ابراهیم– تنها به توصیفات مختصری مانند «خانه محترم» اکتفا شده است. در مقابل، در سوره‌های مدنی به صورت مبسوط به تبیین جایگاه کعبه و انتساب آن به ابراهیم علیه السلام پرداخته شده است.

علل این تفاوت رویکرد: در مکه، مشرکان خود به جایگاه کعبه معترف بودند و تنها نیاز، پالایش آن از شرک بود ولی در مدینه با توجه به تقابل فرهنگی با اهل کتاب که مسجدالاقصی را نماد خود می‌دانستند، تبیین برتری کعبه به عنوان قبله مستقل مسلمانان ضروری می‌نمود.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

۵-۳. بررسی آیات مربوط به کعبه در سوره‌های مدنی

۵-۳-۱. ویژگی‌های ممتاز کعبه

«وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنا إِلى إِبْراهيمَ وَ إِسْماعيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطَّائِفينَ وَ الْعاكِفينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُود» (بقره، ۱۲۵)

این آیه وجوه ممتاز کعبه را برمی‌شمارد: مرجعیت برای عموم مردم؛ برخورداری از امنیت؛ ارتباط با مقام ابراهیم علیه السلام؛ پیمان طهارت با ابراهیم و اسماعیل علیه السلام؛ نقش آن دو بزرگوار در آبادی کعبه؛ تشریع حج.(فضل الله، ۱۴۱۹، ۳ک ۲۵-۲۳)

۵-۳-۲. نقش ابراهیم و اسماعیل در بنای کعبه

«وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْراهيمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْماعيلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّميعُ الْعَليمُ» (بقره، ۱۲۷)

این آیه به صرافت به نقش بنیادین ابراهیم و اسماعیل علیه السلام در ساختن کعبه اشاره دارد.

۵-۳-۳. پاسخ به شبهه نسخ در تغییر قبله

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذي بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمينَ * فيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبيلاً» (آل عمران، ۹۶-۹۷)

این آیات در پاسخ به شبهه یهود درباره تغییر قبله نازل شد و بر موارد زیر تأکید دارد:

تقدّم تاریخی کعبه به عنوان نخستین خانه عبادت؛ برکت‌آفرینی برای جهانیان و وجود آیات روشن (از جمله مقام ابراهیم، امنیت، وجوب حج). (مکارم شیرازی،

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

۱۳۷۴، ۱۱/۳-۱۰)

۵-۳-٤. کعبه، کانون توحید

«وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهيمَ مَكانَ الْبَيْتِ أَنْ لا تُشْرِكْ بي شَيْئاً وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفينَ وَ الْقائِمينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ» (حج، ۲۶)

مطابق این آیه و تفاسیر مربوطه: محل کعبه با اذن الهی تعیین شده است؛ نخستین بار در زمان حضرت آدم علیه السلام بنا شده است؛ به دست ابراهیم علیه السلام تجدید بنا شده است؛ اختصاص به پرستش خدای یکتا دارد و باید از هرگونه آلودگی شرک پاک باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۶۷)

۵-۳-۵. اعلان حج توسط ابراهیم علیه السلام

«وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجالاً وَ عَلى كُلِّ ضامِرٍ يَأْتينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَميق» (حج، ۲۷)

این آیه نشان می‌دهد تشریع حج به دست ابراهیم علیه السلام صورت گرفته است.(طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۶۹/۱۴)

۵-۳-٦. کهن‌ترین مکان عبادت

«لَكُمْ فيها مَنافِعُ إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّها إِلَى الْبَيْتِ الْعَتيقِ» (حج، ۳۳)

وصف کعبه به «عتیق» (کهن)، بر تقدّم تاریخی آن نسبت به بیت‌المقدس تأکید دارد.

۵-۳-۷. جامع‌ترین بیان در بُعد اجتماعی

«جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرامَ قِياماً لِلنَّاسِ وَ الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ الْهَدْيَ وَ الْقَلائِدَ ذلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللهَ يَعْلَمُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ أَنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَليمٌ» (مائده، ۹۷)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

این آیه – به عنوان آخرین اشاره قرآنی به کعبه – جامع‌ترین بیان را درباره نقش اجتماعی کعبه ارائه می‌دهد و آن را مایه «قوام» و استواری جامعه می‌داند. بر اساس این نگاه، کعبه محوری است برای: تشکیل امت واحد؛ زنده‌نگهداشتن دین؛ گردهمایی جهانیان؛ برپایی انواع عبادات و تحقق منافع متعدد اجتماعی. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۴۳/۶-۱۴۲)

نتیجه‌گیری: قرآن کریم با برشمردن ویژگی‌های بی‌نظیر کعبه – از جمله تقدّم تاریخی، نقش توحیدی، برکت‌آفرینی و کارکرد اجتماعی – به تقویت هویت مستقل مسلمانان و ایجاد خودباوری در آنان پرداخت. این راهبرد، هم‌زمان هم پاسخی به شبهات اهل کتاب بود و هم زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدن اسلامی با محوریت کعبه گردید.

۶. تثبیت و ارتقای مرجعیت پیامبر صلی الله علیه و آله

۶-۱. نقش رهبری در هویت‌بخشی به جامعه

شخصیت‌های کاریزماتیک و مرجع، از عوامل اساسی در شکل‌دهی به هویت مستقل جوامع محسوب می‌شوند. رهبران جامعه به عنوان ستون فقرات و محور اصلی هویت جمعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در این فرآیند ایفا می‌کنند.(گیدنز، ۱۳۷۸، ۳۲۸-۳۲۵) این اهمیت در شرایطی که جریان‌های رقیب به تضعیف جایگاه رهبری می‌پردازند، دوچندان می‌شود.

در نهضت‌های بزرگ جهانی، ویژگی‌های روحی برجسته، نفوذ کلام و محبوبیت رهبر، از عوامل کلیدی موفقیت به شمار می‌روند. پیامبران الهی نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند. با این حال، تاریخ نشان می‌دهد که برخی پیامبران با وجود برخورداری از این ویژگی‌ها، در جذب اکثریت جامعه ناموفق بوده‌اند. یکی از عوامل اصلی این ناکامی، تبلیغات منفی و سیستماتیک جریان‌های مخالف برای سلب اعتماد عمومی از رهبران نهضت بوده است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

۶-۲. هجمه تبلیغاتی علیه پیامبر صلی الله علیه و آله

در سوره‌های مکی، اصلی‌ترین حملات مشرکان متوجه شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. آنان با اتهاماتی چون ساحر، مجنون، شاعر و کاهن سعی در بی‌اعتبارسازی ایشان داشتند. قرآن کریم با هوشمندی، این تبلیغات را رصد و خنثی کرد و از اعتماد پیروان محافظت نمود.

با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، سطح تقابل ارتقاء یافت. اهل کتاب که از مرجعیت علمی برخوردار بودند، با تاکتیک‌های پیچیده‌تری مانند انکار پیامبر موعود، اعتراض به تغییر قبله و تحریف احکام، به مقابله با اسلام برخاستند.

۶-۳. راهکار قرآن در تثبیت مرجعیت پیامبر صلی الله علیه و آله

قرآن در مواجهه با این چالش، در دو محور اصلی عمل کرد:

۶-۳-۱. محور اول: تبیین جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان مرجع دینی

۶-۳-۱-۱. رسالت پیامبر در پرتو دعای ابراهیم علیه السلام

«رَبَّنا وَ ابْعَثْ فیهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِكَ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ یُزَكِّیهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزیزُ الْحَكیمُ» (بقره، ۱۲۹)

تبیین اهداف رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله – تلاوت آیات، تعلیم کتاب و حکمت، و تزکیه نفوس – از زبان ابراهیم و اسماعیل علیه السلام، در تثبیت جایگاه ایشان مؤثر بود.

۶-۳-۱-۲. تصویر نعمت گسترده رسالت

«كَما أَرْسَلْنا فیكُمْ رَسُولاً مِنْكُمْ یَتْلُوا عَلَیْكُمْ آیاتِنا وَ یُزَكِّیكُمْ وَ یُعَلِّمُكُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ یُعَلِّمُكُمْ ما لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره، ۱۵۱)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

این آیه، پیامبر صلی الله علیه و آله را مجرای نعمتی الهی برای ارتقای انسانیت معرفی می‌کند.

۶-۳-۱-۳. بزرگ‌ترین نعمت الهی

«لَقَدْ مَنَّ اللهُ عَلَى الْمُؤْمِنينَ إِذْ بَعَثَ فيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كانُوا مِنْ قَبْلُ لَفي ضَلالٍ مُبينٍ» (آل عمران، ۱۶۴)

بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان بزرگ‌ترین نعمت الهی معرفی شده که وضعیت پیش و پس از آن، نشان‌دهنده عظمت این نعمت است.

۶-۳-۱-۴. الگوی جامع رفتاری

«لَقَدْ كانَ لَكُمْ في رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كانَ يَرْجُوا اللهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللهَ كَثيراً» (احزاب، ۲۱)

معرفی پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان اسوه حسنه، بر نقش الگویی ایشان تأکید دارد.

۶-۳-۱-۵. خاتم پیامبران

«ما كانَ مُحَمَّدٌ أَبا أَحَدٍ مِنْ رِجالِكُمْ وَ لكِنْ رَسُولَ اللهِ وَ خاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كانَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَليماً» (احزاب، ۴۰)

تأکید بر خاتمیت، جایگاه بی‌بدیل پیامبر صلی الله علیه و آله در سیر نبوت را نشان می‌دهد.

۶-۳-۱-۵. کارویژه‌های چندگانه رسالت

«يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْناكَ شاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذيراً وَ داعِياً إِلَى اللهِ بِإِذْنِهِ وَ سِراجاً مُنيراً» (احزاب، ۴۵-۴۶)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

این آیات، نقش‌های مختلف پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان شاهد، مبشر، نذیر، داعی و سراج منیر ترسیم می‌کنند.

٦-٣-٢. محور دوم: افشای توطئه کتمان نشانه‌های رسالت

۶-۳-۲-۱. کتمان حقیقت

«وَ لَمَّا جاءَهُمْ كِتابٌ مِنْ عِنْدِ اللهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ وَ كانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذينَ كَفَرُوا... فَلَمَّا جاءَهُمْ ما عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» (بقره، ۸۹)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: یهود پیش از بعثت، همواره آرزوی ظهور پیامبر موعود را داشتند، ولی پس از شناخت او، از روی حسادت کفر ورزیدند.(طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱: ۲۲۲)

۶-۳-۲-۲. پشت سر انداختن کتاب الهی

«نَبَذَ فَريقٌ مِنَ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ كِتابَ اللهِ وَراءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لا يَعْلَمُونَ» (بقره، ۱۰۱)

اهل کتاب، عامدانه نشانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را که در کتاب‌های خود یافته بودند، نادیده گرفتند.

۶-۳-۲-۳. شناخت کامل و کتمان آگاهانه

«الَّذينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ يَعْرِفُونَهُ كَما يَعْرِفُونَ أَبْناءَهُمْ وَ إِنَّ فَريقاً مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره، ۱۴۶)

وصف دقیق پیامبر صلی الله علیه و آله در کتاب‌های پیشین به حدی بود که اهل کتاب، ایشان را همچون فرزندان خود می‌شناختند، ولی حق را کتمان کردند.

۶-۳-۲-۴. حسادت

«أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نساء، ۵۴)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

قرآن، حسادت را عامل اصلی دشمنی یهود با پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می‌کند.

نتیجه‌گیری: قرآن کریم با ترکیب دو راهکار «تبیین جایگاه رفیع پیامبر صلی الله علیه و آله» و «افشای توطئه‌های اهل کتاب»، موفق به تثبیت و ارتقای مرجعیت ایشان شد. این اقدام، نه تنها در برابر حملات فرهنگی اهل کتاب مقاومت ایجاد کرد، بلکه به تقویت هویت مستقل جامعه اسلامی و تحکیم پایه‌های حکومت نبوی انجامید.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با تمرکز بر راهبرد قرآنی «هویت‌بخشی به جامعه ایمانی» به عنوان یکی از راهبردهای کلان مقابله با تهاجم فرهنگی اهل کتاب، به واکاوی آیات قرآن کریم و دیدگاه‌های مفسران پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قرآن کریم در مواجهه با چالش پیچیده و چندبُعدی اهل کتاب در مدینه، که از مرجعیت علمی و نفوذ اجتماعی گسترده‌ای برخوردار بودند، به جای واکنش‌های انفعالی یا تقابل‌های سطحی، به طراحی و اجرای یک راهبرد هوشمندانه، نظام‌مند و بلندمدت در قالب «مهندسی هویتی» اقدام نمود.

اجزای کلیدی این راهبرد به شرح زیر بود:

۱. ایجاد نمادها و مرزهای هویتی مستقل: تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه، به عنوان نخستین و برجسته‌ترین گام، نمادی ملموس و همیشگی از استقلال امت اسلامی از اهل کتاب ایجاد کرد. این اقدام، تنها یک تغییر فیزیکی نبود، بلکه پیامی ژرف درباره خروج از حوزه نفوذ فرهنگی و دینی یهودیت و نصرانیت بود.

۲. بازتعریف تبارنامه هویتی: قرآن کریم با تبیین نسبت مستقیم و ممتاز پیامبر صلی الله علیه و آله و امت اسلامی با حضرت ابراهیم علیه السلام، ریشه‌های هویت جدید را در کهن‌ترین سنت توحیدی نهاد. با تأکید بر اینکه آیین ابراهیم علیه السلام،

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

«اسلام» بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله دعای او محقق شده است، ادعای انحصاری اهل کتاب بر این شخصیت مرجع را باطل و اسلام را وارث راستین دین حنیف معرفی کرد.

۳. بازخوانی شرافت‌های مکانی و نسبی: برجسته‌سازی هدفمند جایگاه حضرت اسماعیل علیه السلام در کنار ابراهیم علیه السلام و نیز تبیین شرافت و قداست شهر مکه و کعبه، نه تنها تبلیغات تحقیرآمیز اهل کتاب را خنثی کرد، بلکه با تکیه بر باورها و عواطف مردم عربستان، پشتوانه‌ای محکم برای هویت جدید ایجاد نمود. این کار نشان داد که اسلام، نه تنها آیینی اصیل، که میراث‌دار شرافت‌های تاریخی و مکانی این سرزمین است.

۴. تثبیت کانون هویت‌ساز: در رأس این هرم هویتی، تثبیت و ارتقای بی‌چون و چرای مرجعیت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشت. قرآن از یک سو با ترسیم جایگاه ایشان به عنوان خاتم پیامبران، اسوه حسنه و بزرگ‌ترین نعمت الهی، مشروعیتی بی‌بدیل برای رهبری جامعه اسلامی ایجاد کرد و از سوی دیگر، با افشای توطئه کتمان حقایق توسط اهل کتاب، توطئه روانی آنان برای سلب اعتماد از پیامبر صلی الله علیه و آله را خنثی ساخت.

قرآن کریم با پیوند زدن «نماد» (قبله)، «مکان» (مکه و کعبه)، «تبار» (ابراهیم و اسماعیل) و «رهبری» (پیامبر اسلام) در یک منظومه منسجم هویت‌ساز، موفق شد در مدت زمانی کوتاه، جامعه‌ای پراکنده و تحت تأثیر جنگ روانی سنگین را به «امت واحده»یی با هویتی مستقل، منسجم و خودباور تبدیل کند. این راهبرد، نمونه‌ای درخشان از مقابله فعال، عالمانه و فرهنگی با تهاجم فرهنگی است که می‌تواند الگویی راهگشا برای نظام اسلامی ایران و دیگر جوامع اسلامی در مواجهه با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی دشمنان باشد. درس اصلی این تحقیق آن است که مقابله کارآمد با تهاجم فرهنگی، نه در انزوا و انفعال، که در «بازسازی هویت مستقل مبتنی بر اصالت‌ها» و «بیان جذاب و عقلانی آن» تحقق می‌یابد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

منابع

۱. ابن هشام، عبدالملک، ۱۳۶۰، **السیرة النبویة**، تحقیق: مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، ١٤٢٠، **التحریر و التنویر**، بیروت: موسسه التاریخ العربی.

۳. باقری صدر، محمد، ۱۳۹۵، «**گونه‌های یهودیان مخاطب قرآن و راهکار مواجهه با آن**»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث.

٤. بحرانی، سید هاشم، ١٤١٥، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تهران: مؤسسة البعثة.

٥. حسینی، بی‌بی زینب، ١٣٩٤، «**روش شناسی عملیات روانی قرآن کریم در رویارویی با یهود**»، نشریه آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۲.

٦. حسینی، خامنه‌ای، سید علی، (١٣٧١/٥/٢٠)، «**سخنرانی‌ها در رابطه با تهاجم فرهنگی**»، سایت مقام معظم رهبری.

۷. رجبی، محمود، ۱۳۸۸، «**تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح**»، مجله قرآن‌شناخت، س ۲، ش ۲ (پیاپی ٤)، صص ١١١ـ١٤٦.

۸. ذکایی، سعید، ۱۳۹۵، **جامعه‌شناسی نمادها و هویت**، تهران: انتشارات سروش.

۹. سید قطب، ابراهیم حسین الشاذلی، ١٤٢٥، **فی ظلال القرآن**، بیروت: دار الشروق.

۱۰.طالقانی، سید محمود، ١٣٦٢، **پرتوی از قرآن**، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۱.طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

۱۲.فضل الله، محمد حسین، ١٤١٩، **من وحی القرآن**، بیروت: دار الملاک.

۱۳. کچویان، حسین، ۱۳۸۵، **هویت ایرانی**، تهران: نشر نی.

١٤. گیدنز، آنتیونی، ۱۳۷۸، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

۱۵.مدرسی، سید محمد تقی، ١٤١٩، **من هدی القرآن**، تهران: دار محبی الحسین.

١٦.مراغی، احمدبن‌مصطفی، ١٣٦٦، **تفسیر المراغی**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۷.مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، «**تفسیر موضوعی**»، فصلنامه معرفت، ش ١٣٦، صص ٥ـ١٨.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]

۱۸.ـــــــــــــــــــ ، ۱۳۷٦، **تهاجم فرهنگی**، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۱۹.معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۸، **تلخیص التمهید**، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

۲۰.مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامی.

۲۱.مهدوی کتریمی، عیسی، «**بررسی و شناخت توطئه اجتماعی و راه‌های مقابله با آن از منظر قرآن کریم**» رساله کارشناسی ارشد، ۱۳۸۷.

۲۲.یونگ، کارل گوستاو، ۱۳۷۳، **انسان و سمبول‌هایش**، تهران: انتشارات جامی.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-08]